

## دیباچه

### مشارکت امن شهر وندان با عدالت کیفری

۱. عدالت کیفری به یک عبارت، عملکرد مجموعه نهادها و تشکیلات دولتی، قضایی و اجرایی است که پس از ارتکاب جرم، در چارچوب آنچه فرایند رسیدگی کیفری نام گرفته است، به دستگیری مظنون، تعقیب و محکمه متهم و مجازات محکوم یعنی مجرم می‌پردازند. فرایند کیفری مانند هر فرایندی دارای یک نقطه آغاز (دستگیری و توقيف مظنون)، یک جریان (تعقیب، تحقیقات، محکمه و محکومیت متهم) و یک نقطه پایانی (مجازات محکوم) است که هر یک از این مراحل سه گانه، تابع تشریفات خاص خود و در عین حال مستلزم همکاری، مشارکت و مداخله نهادها و اشخاص مختلفی مانند بزه‌دیده، شاهد، مخبر، مردم، وکیل، پلیس، دادسر، دادگاه و نهادهای متولی اجرای محکومیت‌های کیفری است. رعایت تشریفات قانونی در مراحل مختلف رسیدگی کیفری، مشارکت بی‌دغدغه شهر وندان و مداخله قانونمند مقام‌ها یا نهادهای رسمی در عدالت کیفری، بی‌تردید به اقدام‌های آن مشروعیت و جنبه عادلانه می‌بخشد.

۲. بدین ترتیب، عدالت کیفری که متضمن رعایت حقوق جامعه، بزه‌دیده، متهم و محکوم است (دادرسی عادلانه نسبت به متهم و رفتار عادلانه نسبت به شاکی یا بزه‌دیده) همچون چرخه‌ای عمل می‌کند که عملکرد منسجم و نیز پیشروی و پیشرفت آن منوط به همکاری متوازن اشخاص با نهادهای دولتی است. چنانچه بزه‌دیده از اقامه شکایت اجتناب کند، مطلع، مخبر قانونی، شاهد یا به طور کلی مردم، مراتب وقوع جرم را به کارگزاران عدالت کیفری افشا و اعلام ننمایند، جامعه مدنی در مراحل تعقیب و محکمه با دستگاه عدالت کیفری همکاری نکند و یا قاضی و سایر کارگزاران عدالت قضایی، استقلال قضایی و یا تمامیت معنوی یا جسمانی خود را

عمومی جامعه را در بی دارد، نظام‌های کفری داخلی و استناد کفری بین‌المللی، تلاش کرده اند با پیش‌بینی برخی تدبیر حمایتی، از بزه دیده، شاهد، قاضی و...، به ویژه در مقابل جرایم سازمان یافته، شبکه ای و فراملی، حمایت کنند. در این چارچوب می‌توان به جرم‌انگاری آعمال مانع جریان مطلوب فرآیند عدالت کفری، که به «جرایم علیه فرآیند عدالت قضایی» مشهور شده است، اشاره کرد. (برای نمونه: در سطح داخلی ماده ۶۶۹ ق.م.ا. در مورد تهدید شهود یا ماده ۵۹۷ ق.م.ا. در مورد استنکاف از رسیدگی توسط قاضی یا مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ ق.م.ا. در مورد مجازات قسم و شهادت دروغ و در سطح بین‌المللی، ماده ۲۵ کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳ و ماده ۲۳ کنوانسیون مبارزه با بزه‌کاری سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰) در این زمینه مواد ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۲۰۰۳ به ترتیب به چگونگی «حمایت از شاهدان، کارشناسان و بزه دیدگان» جرائم مرتبط با فساد و «حمایت از کسانی که مراتب ارتکاب جرائم را به مقام‌های ذیصلاح اطلاع می‌دهند» اختصاص یافته است.<sup>۱</sup> کنوانسیون ۲۰۰۰ به نوبه خود، «حمایت از شهود جرائم سازمان یافته فراملی» (ماده ۲۴) و نحوه «اعطاء کمک و حمایت به بزه دیدگان» چنین جرائمی (ماده ۲۵) را، که در برابر تهدید بالقوه مجرمان چند ملیتی و تشکیلاتی و عقبه آنها قرار دارند، به تفصیل پیش‌بینی و به دولت‌های عضو توصیه کرده است. استنادی که در مقام مبارزه با جنایات علیه بشریت (جرائم علیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه) می‌باشد نیز با پیش‌بینی برخی تدبیر از قربانیان یا شاهدان این جنایتها در جریان فرآیند رسیدگی حمایت می‌کنند؛ برای نمونه تاسیس یک بخش، یا واحد دائمی کمک به بزه دیدگان و شهود، به موجب بند ۳ ماده ۴۳ اساسنامه دیوان کفری بین‌المللی، که از یکسو باید نظرات مشورتی ارائه دهد و از سوی دیگر، به طور خاص در زمینه ترمیم آثار جرم، مساعدت مؤثر ارائه کند و یا مواد ۶۷ و ۶۸ آینین نامه دائمی دادرسی و ادلۀ اساسنامه دیوان کفری بین‌المللی در مورد استماع شهادت شهود از پشت درهای بسته یا از طریق ویدئوی مداربسته یا مواد ۸۷

به جهاتی در معرض خطر و تهدید احساس کنند، چرخ‌های عدالت کفری گند و متوقف می‌شود. پیامد چنین وضعی در جامعه، چیزی جز بی‌عدالتی کفری و به تعییر امروزی بی‌کفرمانی نخواهد بود.

همکاری مردم با عدالت کفری برای تعقیب و مجازات بزه‌کاران، از آن جهت اهمیت دارد که پلیس به تنایی حدود یک چهارم جرائم را کشف می‌کند و برای شناسایی و تعقیب بقیه موارد نیازمند همکاری و اعتماد مردم است. مشارکت سازمان یافته و قانونی جامعه مدنی (شامل بزه‌دیده، مطلع، مخبر، شاهد و متهم) با نهادهای اجرایی- قضایی عدالت کفری، بی‌تردید از تکالیف شهروندی اعضاء جامعه است؛ تضمین حق شهروندان بر امنیت جانی، مالی و حیاتی توسط دولت نیز موقول به همکاری آنان با مراجع مختلف عدالت کفری است. بدین ترتیب، جای شگفتی نیست که قانونگذار در مواردی خودداری مردم از همکاری با نهادهای عدالت کفری برای کشف یا اعلام و افشاء جرم را جرم انگاری و مجازات می‌کند. (برای مثال ماده ۶۰۶ ق.م.ا. در مورد عدم گزارش جرایم مذکور در ماده مزبور توسط مدیران مؤسسات مربوطه به مراجع قضایی یا ماده ۱۵۹ آ.د.ک. در مورد جلب شهود و مطلعینی که بدون عذر موجه، پس از دویار احضار، حاضر نمی‌شوند).

۳. انجام تکالیف شهروندان در قبال پلیس و دادگستری با هدف تأمین امنیت جامعه از گذر مبارزه قانونمند با بزه‌کاران، منوط به فراهم بودن بسته قانونی و امن همکاری است. یکی از عواملی که عدالت کفری را از مسیر خود منحرف می‌کند یا از کارآیی و سرعت آن می‌کاهد، احساس ناامنی کنشگران و یاوران رسمی و غیررسمی عدالت کفری به جهت همکاری با نهادها و مداخله در مراحل مختلف آن است. همچنین، ماهیت پاره ای جرایم، پیشیه و شخصیت بعضی مجرمان سازمان یافته، جهانی شدن بزه‌کاری سودجویانه و تزویرآمیز و به طور کلی پیدایش سازمان‌های جنایی تروریستی و اقتصادی دارای امکانات مادی- انسانی عظیم و گاه قابل رقابت با نهادهای عدالت کفری، سبب شده است که فرایند عدالت کفری تحت تأثیر اقدام‌های تهدیدآمیز آنها قرار بگیرد، به گونه‌ای که از یکسو انفعال، جای انگیزه گش و واکنش مقام‌های پلیسی و قضایی را بگیرد و از سوی دیگر سکون و سکوت، جایگزین انگیزه همکاری بزه دیده، شاهد، مطلع و مردم گردد. برای مبارزه با چنین تهدیدهایی که امنیت کنشگران پلیسی- قضایی و شهروندان مکلف یا مایل به همکاری با عدالت کفری را در معرض خطر قرار می‌دهد و اختلال در امنیت

۱. دفتر مقابله با مواد مخدوش و جرم سازمان ملل متحد، رهنمودهای تغییری جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، ترجمه حمید بهره مند، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

۲. سلیمانی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات تهران صد، ۱۳۸۲.

دیباچه ۱۵

خانم زینب باقری نژاد، دانشجوی پژوهشگر، ساعی و بالنگیزه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در کتاب خود، حمایت از شهود، تلاش کرده است با بررسی قوانین و مقررات شکلی و ماهوی داخلی و بانگاهی به مقررات بین المللی، جنبه‌های مختلف حمایت از شهود و بزه دیدگان در فرایند عدالت کیفری و مسائل ناشی از آن را مورد کاوش قرار دهد. این اثر، بسیار تردید، می‌تواند در اصلاحات قانون آئین دادرسی کیفری از طریق اختصاص یک فصل به سازوکارهای اعطاء حمایت و کمک به قربانیان و شاهدان جرم و مردم و نیز تغییرات آئین قانون تعزیرات (۱۳۷۵) با اختصاص یک فصل به «جرائم علیه عدالت قضائی» مؤثر واقع شود؛ کاری که به نظر می‌رسد قانونگذار در جهت رعایت ملاحظات و مصالح شاهد، با تدوین ماده ۱۸۵<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی جدید مصوب آذر ۱۳۹۰ انجام داده است.

علی‌حسین نجفی ابرندآبادی  
تهران، ۲۵ اسفند ۱۳۹۰ خورشیدی

و ۸۸ این آئین نامه در مورد تقاضای حمایت از طرف شهود، از جمله تقاضای عدم افشاء نام یا حضور شاهد به صورت گمنام در جلسه دادرسی.<sup>۲</sup>  
۴. اقدام‌های اتخاذ شده در مقام حمایت از شهود، در سطح ملی و بین المللی که در اثر پیش‌رو مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در واقع از یک سو به دنبال تضمین کرامت انسانی افراد هستند که حق بر امنیت یکی از مؤلفه‌های آن محسوب می‌شود و از سوی دیگر، به دنبال تضمین جریان عادی فرایند عدالت کیفری از گذر تضمین استقلال قضات و تامین امنیت شهروندانی است که برای مبارزه با مؤلفه‌های نامنی، یعنی انواع جرائم، با عدالت کیفری همکاری و مشارکت می‌کنند. اما آیا این گونه تدبیرهای قانونی حمایتی، از جمله امکان اقامه شهادت از پشت درهای بسته، از طریق ویدئو یا به صورت گمنام، با اصول تضمین کننده دادرسی عادلانه که از دستاوردهای نیم قرن اخیر حقوق کیفری است مغایرت ندارند؟ آیا اینگونه تدبیر حمایتی، در کشورهایی که با دادرسی عادلانه متهم و رفتار عادلانه با بزه دیده بیگانه‌اند و یا حتی نسبت به آنها حساس و مخالف‌اند، موجب سوء استفاده ضابطان یا قضات نمی‌شود؟

وانگهی این مشارکت و همکاری شهروندان با نهادهای عدالت کیفری در افشاء، اعلام، تعقیب و محاكمه جرائم و مجرمان، نه تنها مستلزم تضمین و تامین امنیت آسان است، بلکه به اعتماد آنها به کارآیی این نهادها و سلامت اداری - قضایی کارگزاران عدالت کیفری نیز بستگی دارد.<sup>۳</sup> چنانچه کارآیی پلیس، دادسرا و دادگاه در پیگیری، تعقیب و رسیدگی جرائم و دسترسی بزه دیدگان به عدالت کیفری، در سطح کلان جامعه محل تردید باشد یا فساد اداری - پلیسی - قضایی در نهادهای ذیصلاح رایج باشد، اعتماد و در نتیجه مشارکت مردم جای خود را به تدریج به «عدالت خصوصی» و «خودکفایی قضایی» خواهد داد.

\*\*\*

۱. فلاخ، محسن، رفتار عادلانه نسبت به بزه دیده در استاد چهارگانه دیوان بین المللی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷؛ دیربازار، مرضیه، رویکرد بزه دیده شناختی به مقررات دیوان بین الملل کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزاً و جرم شناسی، دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۸؛ سایبانی، علیرضا، حمایت از بزه دیدگان در دادگاه‌ها و دیوان کیفری بین المللی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۹-۱۳۸۸.

۲. بر طبق این ماده، چنانچه حضور شاهد متعدد باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده یا ضبط شده، با احرار شرایط و صحت انتساب، معتبر است.